



آموزش حفاظت از حق بر هوای پاک از منظر فقه تربیتی

محمدصادق جمشیدی راد[✉]، فاطمه ریاحی^۲، مریم لاریجانی^۳

۱. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: jamshidirad@pnu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: Riyahifatemeh70@gmail.com

۳. دانشیار، گروه آموزشی محیط زیست، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: m.larjani@pnu.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۲۹

کلیدواژه‌ها:

آموزش،

محیط زیست،

هوای پاک،

حق،

فقه،

فقه تربیتی

در دنیای امروز، حفظ محیط زیست، به گونه عام و سلامت هوا، به گونه خاص، به مثابه حق همگانی، برای توسعه پایدار جوامع - به ویژه در کلان‌شهرها - از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به همین دلیل، در بسیاری از کشورها، سیاست‌گذاران و پژوهش‌گران در جست‌وجوی راهکارهایی موثر برای کاهش آلودگی هوا هستند. استفاده از ابزارهای فرهنگی و آموزشی برای ترویج فرهنگ حفاظت از هوای پاک، می‌تواند یکی از راهکارهای موثر (در کنار دیگر راه‌حل‌ها) در برون‌رفت از بحران زیست محیطی باشد که از طریق آموزش، نگاه انسان‌ها نسبت به محیط زیست و عناصر حیاتی آن (مانند هوای پاک) تغییر پیدا کند. پژوهش حاضر با هدف واکاوی مبانی فقهی حفاظت از حق بر هوای پاک و یافتن ساز و کارهای آموزشی، برای نهادینه کردن دستاوردهای آن، با روش توصیفی - استنباطی، مجموعه ادله فقهی را در این زمینه مورد بررسی قرار داده و به این نکته اذعان دارد که فقه تربیتی می‌تواند چارچوب آموزشی - تربیتی سامان یافته‌ای را برای نهادینه‌سازی فرهنگ حفاظت از هوای پاک فراهم آورد. نتایج فقهی پژوهش حاضر را می‌توان این گونه دسته‌بندی کرد:

- الف) حکم ایجابی: به معنای وجوب محافظت از محیط زیست و هوای پاک؛

- ب) حکم سلبی: حرمت تخریب و آلوده کردن محیط زیست و هوای پاک؛

- ج) حکم وضعی: در صورت تخریب و آلوده کردن محیط زیست و هوای پاک، شخص ملزم به ضمان و پرداخت خسارت وارده است.

استناد: جمشیدی راد، محمدصادق، فاطمه ریاحی و لاریجانی، مریم (۱۴۰۴). آموزش حفاظت از حق بر هوای پاک از منظر فقه تربیتی، ۱۲ (۲۴)، ۱۵۳-۱۳۷.

<https://doi.org/10.22034/mft.2026.21134.1447>



© نویسندگان.

ناشر: جامعة المصطفی العالمية.

۱. مقدمه

چگونگی رویارویی انسان با محیط زیست به نوع نگاه و نگرش او به این محیط برمی‌گردد. این که انسان در به کارگیری از مواهب طبیعی و محیط زیست، مسئول و امانت‌دار تلقی می‌شود یا تنها مصرف‌کننده در راستای کسب منفعت و لذت‌جویی است، نگاه او را نسبت به محیط زیست، تعیین می‌کند. نگاه مسئول‌انگارانه و امانت‌محور، طبیعت و محیط زیست را ظرف حیات و تکامل انسان می‌بیند، که مواهب و داشته‌های آن به مثابه امانت انگاشته شده و در قبال آن حقوق و تکالیفی برای او تعریف می‌شود. در این نگرش، پاسداری و آبادانی زمین و محیط زیست، در اولویت قرار می‌گیرد. در مقابل، مسایل زیست‌محیطی که امروزه به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های جهانی تبدیل شده است، ناشی از نگاه مصرف‌مدار، لذت‌طلبانه و سودجویانه انسان به طبیعت و محیط زیست است؛ به همین دلیل، طی نیم قرن گذشته نه تنها آثار منفی فعالیت‌های انسانی بر محیط زیست کاهش نیافته، بلکه مسایل پیچیده‌تری مانند آلودگی شدید هوا، تخریب لایه اوزون، انتشار گازهای گلخانه‌ای، تغییرات اقلیمی، گرم شدن زمین و کاهش منابع آب را نیز به دنبال داشته است. در این میان، آلودگی هوا که یکی عوامل از مهم تهدیدکننده سلامت انسان و محیط زیست شمرده می‌شود، نه تنها بهبود نیافته که در یک سیر فزاینده، هم‌چنان رو به افزایش بوده و سلامت انسان‌ها را بیش از پیش تهدید می‌کند.

در دنیای امروز، حفظ محیط زیست، به گونه عام و سلامت هوا، به گونه خاص، برای توسعه پایدار جوامع - به ویژه در کلان‌شهرها - از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به همین دلیل، در بسیاری از کشورها، سیاست‌گذاران و پژوهش‌گران در جست‌وجوی راهکارهایی موثر برای کاهش آلودگی هوا هستند. استفاده از ابزارهای فرهنگی و آموزشی برای ترویج فرهنگ حفاظت از هوای پاک می‌تواند یکی از راهکارها موثر (در کنار دیگر راه‌حل‌ها) در برون‌رفت از این بحران زیست محیطی باشد که از طریق آموزش، نگاه انسان‌ها نسبت به محیط زیست و عناصر حیاتی آن مانند هوای پاک، تغییر پیدا کند. اگر نگاه انسان درباره محیط زیست، از نگاه مصرف‌گرایانه و سودجویانه، به نگاه امانت‌مدار و تکلیف‌محور، تغییر یابد، مواجهه او با محیط زیست نیز متحول خواهد شد. چه آن که در آن صورت، انسان خود را مسئول و امانت‌دار تلقی کرده، به جای تخریب و نابودی طبیعت و مواهب زیستی آن، برای آبادانی و بهبود محیط زیست، تلاش خواهد کرد.

نوشتار حاضر، بر این فرض استوار است که رویکرد دینی در مواجهه انسان با طبیعت و محیط زیست، رویکرد مسئولیت‌محور و امانت‌مدار است که نوعی حق‌انگاری برای طبیعت و مواهب نهفته در دل آن، قایل است. فقه اسلامی، به مثابه بخشی از معرفت دینی که چارچوب‌های رفتاری انسان را در قالب بایدها و نبایدها، تعیین می‌کند، شاخص‌های رفتاری انسان در رویارویی با طبیعت و محیط زیست را نیز با همین رویکرد، مشخص می‌کند. این که فقه، در تعامل انسان با طبیعت، چه بایدها و نبایدهایی را برای صیانت از محیط زیست (به مثابه یک حق)، به گونه عام و حفاظت از حق بر هوای پاک، به گونه خاص، تجویز می‌کند، نیازمند واکاوی و بررسی ادله و مبانی فقهی در این زمینه است. از دیگرسو، فرهنگ‌سازی و توانمندسازی همگانی در این خصوص، نیازمند یک سلسله آموزش‌هایی است که دانش تربیت متکفل آن است. زیرا تربیت زیست محیطی در اصل، فرایند سالم‌سازی و بازسازی رابطه میان انسان و طبیعت است که با رویکرد یادشده امکان‌پذیر است و از سویی، بخش معظم این فرایند، از طریق آموزش، انجام می‌پذیرد. بنابراین، در این پژوهش به این سه پرسش، پاسخ داده می‌شود: ۱. مبانی فقهی حق بر هوای پاک چیست؟ ۲. مبانی فقهی حفاظت از حق بر هوای پاک، چیست؟ ۳. سازو کارهای آموزش حفاظت از حق بر هوای پاک، از منظر فقه تربیتی کدامند؟ پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها یک راه‌حل علمی موثر برای تغییر نگاه لذت‌جویانه و منفعت‌طلبانه انسان، به نگاه انسان مسئولیت‌پذیر و امانت‌دار نسبت به محیط زیست، (از جمله هوای پاک) خواهد بود که به جای تخریب و آلودن، برای آبادانی و سلامت آن تلاش می‌کند.

۲. پیشینه پژوهش

درباره محیط زیست مطالعات متعددی از زوایای مختلف انجام شده است؛ اما تا جایی که جستجو شد مطالعه جامع و مستقلی که حفاظت از حق بر هوای پاک را از منظر فقه تربیتی، بررسی کند، وجود ندارد.

برخی (جوادی آملی، ۱۳۹۰ و نصر، ۱۳۸۳) با رویکرد الهیاتی و عرفانی تدبیر و تفکر در طبیعت را به عنوان عظمت، قدرت و حکمت الهی در مرکز توجه قرار داده و تخریب محیط زیست را نهی و از مصداق‌های فساد در زمین تلقی کرده‌اند. حسینی شیرازی (۱۳۸۷) در کتاب اسلام و محیط زیست، با رویکرد فقهی، وضعیت محیط زیست در صلح و جنگ را مورد بحث قرار داده‌اند.

در مطالعات موجود، فهیمی و عربزاده (۱۳۹۱) به بررسی مبانی فقهی حفاظت از محیط زیست پرداخته‌اند. محمدزاده رهنی (۱۳۹۲) بر حقوق زیست‌محیطی در فقه اسلامی متمرکز شده است. در مطالعه دیگر، گوهری و بیژنی (۱۳۹۰) به مسئولیت‌های شرعی و اخلاقی در قبال محیط زیست، اشاره کرده‌اند.

در میان آثار علمی موجود، شاید نزدیک‌ترین اثر، مقاله‌ای است با عنوان «حفظ محیط زیست از دیدگاه فقه و لزوم آموزش محیط زیست» (گل همیشه بهار و هم‌کاران، ۱۴۰۲) که در آن به آموزش محیط زیست با بهره‌گیری از مبانی فقهی تأکید شده است. اما این اثر، چنانکه از عنوانش نیز پیداست، اول؛ ناظر به کل عناصر زیست‌محیطی است و به عنصر حیاتی هوای پاک که محور نوشتار حاضر است نپرداخته - تنها در حد چند سطر به این مساله اشاره شده - ثانیاً: دلالت‌های آموزشی مبانی یادشده، از ادله و قواعد فقهی اصطیاد و تبیین نشده است. در نتیجه، ظرفیت بررسی و واکاوی مساله آموزش حفاظت از حق بر هوای پاک با نگاه فقهی - تربیتی هم‌چنان وجود دارد و این خلأ یکی از کاستی‌های پژوهش‌های موجود است که نیازمند بررسی علمی است که مقاله حاضر از این جهت جنبه نوآورانه دارد و یک بحث جدید به شمار می‌آید.

۳. روش پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی - استنباطی و بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای انجام می‌شود. در این راستا، ابتدا مبانی و ادله فقهی حفاظت از هوای پاک - مبتنی بر آیات، روایات و عقل - بررسی شده و سپس بر پایه تعامل فقه و تربیت، دلالت‌های تربیتی این دسته مبانی اصطیاد شده و در نهایت سازو کارهای آموزشی متناسب با حفاظت از حق بر هوای پاک، ارائه می‌شود.

۴. مفهوم‌شناسی

تعریف مفاهیم، گام نخست در فعالیت‌های علمی است که از سوءتفاهم و برداشت‌های نادرست جلوگیری می‌کند. در واقع این کار، پیش‌نیاز فهم دقیق و اجتناب از ابهام‌گویی است. به همین دلیل، در ادامه با تعریف مفاهیم، از واژگان کلیدی این پژوهش، ابهام‌زدایی می‌شود.

۴-۱. آموزش

آموزش در یک معنای عام، به هر نوع تأثیرگذاری در ذهن (بعد شناختی) اطلاق می‌شود، خواه در قالب فعالیت‌های رسمی انجام پذیرد و یا غیر رسمی (سیف، ۱۳۸۶: ۳). از آن‌جا که آموزش حفاظت از حق بر هوای پاک، در زیرمجموعه آموزش محیط زیست قرار می‌گیرد، با تعریف آموزش محیط زیست، تعریف، آموزش از حق بر هوای پاک نیز روشن خواهد شد. بر پایه تعریف یونسکو، آموزش محیط زیست فرایند شناخت ارزش‌ها و روشن ساختن مفاهیم است برای این‌که مهارت و نگرش لازم برای درک و قدردانی از روابط درونی بشر فرهنگ و بیوفیزیک اطراف او حاصل شود (شیری و عبدالهی، ۲۰۰۹: ۸).

۲-۴. مفهوم «حق»

«حق» در لغت به معانی مختلف آمده که وجه اشتراک آن‌ها «ثبات» و «پایداری» است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲/ ۴۴). حق در اصطلاح دانشوران فقه، به معنای «سلطه بر عین یا بر انسانی دیگر یا بر امری اعتباری» ذکر شده (آخوند خراسانی، ۱۳۹۴: ۴ و امام خمینی، ۱۳۶۳: ۱/ ۴۴) و حقوقدانان نیز ملهم و متأثر از این تعریف، آن را برگزیده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۰: ۱۷۲۲). مفهوم حق در معنای فقهی آن با تکلیف (وظیفه) رابطه دوسویه دارد؛ هر حقی مستلزم تکلیفی و هر تکلیفی مستلزم حق است. لکن تفاوتی که باهم دارند در این است که در مفهوم حق، اختیار بهره‌برداری و استیفاء قرار داده شده است و صاحب حق خود می‌تواند انتخاب کند. در صورتی که تکلیف این گونه ناست، هرچند در مقام عمل انسان می‌تواند ترک تکلیف کند (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۷۵-۷۶). بنابراین، حق، برای «ذیحق، نوعی توانایی و امتیازی به شمار می‌آید که افراد در قبال آن یک سلسله وظایف و مسئولیت‌هایی پیدا می‌کنند.

۲-۴. مفهوم «هوا»

معنای لغوی هوا را «گازهایی بی‌رنگ و بو که کره زمین را احاطه کرده و مخلوطی از اکسیژن و آرت و مقادیری گازهای دیگر» است، ذکر کرده‌اند (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۰۸۴۷/ ۴؛ معین، ۱۳۸۶: ۵۲۱۳/ ۴). معنای اصطلاحی هوا نیز منطبق بر معنای لغوی آن است، چگونگی ترکیبات این گازها در کتب مرتبط با هواشناسی و دانش‌های زیست‌محیطی به تفصیل آمده و از ذکر جزئیات فنی آن در این مقال خودداری می‌شود. ولیکن آنچه مورد قبول عرف عام و خاص (علوم طبیعی) است، هوا را مترادف با معنای لغوی آن و در مفهوم ماده‌ای بی‌رنگ و بو و حیاتی می‌داند که استشمام آن ضامن بقای حیات موجودات زنده است.

۳-۴. مفهوم «هوای پاک» و «آلودگی هوا»

از باب «تعرف الأشياء باضدادها بل بأغیارها (نهج البلاغه: خطبه ۱۴۷)، مفهوم پاک بودن هوا بدون تعریف پاک نبودن آن؛ یعنی آلودگی هوا امکان‌پذیر نیست. «آلودگی» در لسان اهل لغت و ادبیات فارسی از مصدر «آلودن» است که به معنای «پلیدی» و «ناپاکی» گفته شده است (معین، ۱۳۸۶: ۱/ ۴۹، ۸۴ و ۱۴۸). فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، آلودگی زیست محیطی را «وارد شدن ماده‌ای در آب یا خاک یا هوا که کیفیت طبیعی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد و موجب آزار حواس بینایی یا چشایی یا بویایی یا شنوایی شود یا سلامتی را به خطر اندازد» معنا کرده است. این تعریف عمومیت داشته و دامنه آن، هر سه نوع آلودگی آب، هوا و خاک را دربرمی‌گیرد و منحصر به آلودگی هوا نیست. اما تعریف زیر ناظر به آلودگی هوا است که مرتبط با بحث حاضر است:

آلودگی هوا، عبارت است از انتشار یک یا چند آلاینده اعم از آلاینده‌های جامد، مایع، گاز، پرتوهای یون‌ساز و غیر یون‌ساز، بو و صدا در هوای آزاد، به صورت طبیعی یا انسان‌ساخت، به مقدار و مدتی که کیفیت هوا را به گونه‌ای تغییر دهد که برای سلامت انسان و موجودات زنده، فرآیندهای بوم‌شناختی (اکولوژیکی) یا آثار و ابنیه زیان‌آور بوده و یا سبب از میان رفتن یا کاهش سطح رفاه عمومی گردد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶). بنابراین، هوای پاک، به هوایی اطلاق می‌شود که به وسیله آن حیات انسان و دیگر موجودات و منابع زنده تأمین می‌شود و شرایط زیست سالم آن‌ها فراهم می‌آید.

مبانی فقهی حفاظت از حق بر هوای پاک

مبانی فقهی بر یک سلسله ادله‌ای (آیات قرآنی، روایات و عقل) استوار است که احکام و بایدها و نبایدهای فقهی از این دسته ادله، استخراج و استنباط می‌شود. بنابراین، تلقی هوای پاک به مثابه حق، در مبانی و ادله فقهی مساله‌ای است که در این مجال بررسی می‌شود تا از این رهگذر، به نخستین پرسش مطرح شده در این پژوهش - مبانی فقهی حفاظت از حق بر هوای پاک چیست؟- پاسخ

داده شود. به همین منظور، نخست آن دسته ادله فقهی بررسی می‌شود که بهره‌برداری از محیط زیست و به تبع آن هوای پاک را به منزله حق برای همه ابنای بشر، معرفی می‌کنند.

الف) ادله فقهی ناظر به حق بر هوای پاک

در شماری از آیات قرآن و روایات، بهره‌برداری و استفاده از طبیعت و مواهب زیستی آن، به منزله حق همه ابنای بشر، معرفی شده که در ادامه به چند نمونه از این دسته ادله، اشاره می‌شود.

۱. قرآن

در آیات متعدد قرآن، استفاده از طبیعت و محیط زیست، حق همه انسان‌ها معرفی شده است. برای مثال، در آیه ۲۹ سوره مبارکه بقره، خداوند متعال، می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»؛ اوست خدایی که همه آنچه در زمین است برای شما آفرید. در آیه دهم سوره مبارکه الرحمن نیز فرموده است: «وَالْأَرْضُ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ»؛ زمین را برای مردم قرار داد. برای این که از طریق این دسته آیات، اثبات شود محیط زیست به همه بشر تعلق دارد و استفاده از مواهب طبیعی، حق همه انسان‌هاست، این گونه استدلال می‌شود که ضمیر «کم» در آیه اول و واژه «أنام» در آیه دوم، در ادبیات زبان عرب، افاده جمع می‌کند و ناظر به همه بشر است و اختصاصی به بشر در دوره خاصی ندارد و همه نسل‌های بشر در حال و آینده را شامل شده و حق همگانی شمرده می‌شود. از دیگر سو، «لام» در دو کلمه «لکم» و «للأنام» برای انتفاع و بهره‌برداری است؛ بنابراین، بر پایه مفاد این دو آیه و آیات مشابه، محیط زیست و مواهب طبیعی آن، از جمله هوای پاک، حق همه انسان‌هاست و انسان حق دارد از زمین استفاده مشروع داشته باشد که با اهداف طبیعت و فطرت انسانی هماهنگی دارد (عرفانیان، ۱۳۹۲: ۱۰۳ و ۱۰۴). زیرا وقتی شیئی حق انسان قلمداد شد، لازمه آن این است که بتواند از آن حق، بهره ببرد. چنانکه دانشوران فقه نیز (فاضل مقداد، ۱۴۲۵: ۲/ ۲۹۸) از این دسته آیات جواز بهره‌گیری از زمین و «اصالة الاباحه» را استنباط کرده‌اند.

۲. روایات

افزون بر آیات قرآن کریم، در متون روایی نیز روایاتی وجود دارد که محیط زیست و بهره‌برداری از عناصر آن را حق همه انسان‌ها معرفی می‌کنند. برای نمونه در حدیثی که از امیرالمؤمنین (ع) در ذیل همین آیه ۲۹ سوره مبارکه بقره آمده؛ این گونه نقل شده است: «أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا... فَخَلَقَ لَكُمْ كُلَّ مَا فِي الْأَرْضِ لِمَصَالِحِكُمْ يَا بَنِي آدَمَ» (مجلسی، ۱۴۲۵ق: ۳/ ۴۰). امام علی (ع) درباره این آیه: «خداوند کسی است که همه آنچه در زمین است را برای شما آفرید» ... فرمود: ای فرزندان آدم خداوند آنچه در زمین است را برای نفع و مصلحت شما آفرید.

طبق این روایت، امام علی (ع)، با ضمیر جمع «کم» و تعبیر «یا بنی آدم» زمین و محیط زیست انسان، از جمله هوای پاک را متعلق به همه بشر معرفی می‌کند و هم‌چنین با «لام» در کلمه «لکم» و «لمصالحکم» به جواز بهره‌برداری در راستای منافع مشروع انسان از مواهب محیط زیست، از جمله هوای پاک، اشاره دارد. چنانکه خود کلمه «مصالحکم» نیز نوع استفاده از عناصر محیط زیست را مشخص می‌کند که بهره‌برداری از محیط زیست باید در مسیر تأمین خیر و مصلحت انسان باشد که هم شامل مصلحت نوعی می‌شود و هم مصلحت فردی را در برمی‌گیرد.

روایت دیگر در این زمینه از محضر مبارک امام رضا (ع) در ذیل آیه دهم سوره مبارکه الرحمن این گونه نقل شده است: «عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (ع) فِي قَوْلِهِ... «وَالْأَرْضُ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ»؛ قَالَ (ع): لِلنَّاسِ (مجلسی، ۱۴۲۵: ۶۷/۲۴). امام رضا (ع) درباره معنای آیه فرمود: یعنی برای مردم قرار داد.

در این حدیث شریف نیز تعبیر «للناس» آمده که از سویی زمین و محیط زیست را متعلق به همه انسان‌ها معرفی می‌کند و از دیگری، «لام» هم در این‌جا مانند خود آیه شریف، بهره‌برداری مشروع از مواهب محیط زیست را تجویز می‌کنند. در نتیجه طبق مفاد این دسته روایات نیز استفاده از طبیعت و محیط زیست، حق همه انسان‌ها معرفی شده است و انسان می‌تواند در راستای منافع سازوار با فطرت از محیط زیست و نعمت‌های قرارداده شده در (مانند هوای پاک) بهره بگیرد.

نکته‌ای که درباره ادله روایی وجود دارد، این است که این دسته روایات به لحاظ سندی از اعتبار لازم برخوردار نیستند؛ اما به این دلیل که مفاد آن‌ها هماهنگ با دلالت قطعی آیات قرآن کریم است - به ویژه که این روایات در ذیل آیاتی وارد شده که دلالت صریح و قاطع برای اثبات مدعا دارند - ضعف سند، به اعتبار محتوای آن‌ها خدشه وارد نمی‌کند. در نتیجه برای اثبات این مطلب که استفاده از طبیعت و محیط زیست، حق همه انسان‌هاست و انسان مجاز است برای تأمین منافع مشروع از آن بهره بگیرد، می‌توان هم به آیات قرآن و هم به این روایات تمسک کرد.

ب) ادله فقهی حفاظت از حق بر هوای پاک

تا این‌جا مشخص شد که انسان حق دارد از محیط زیست سالم و هوای پاک برخوردار باشد. آیات قرآن و روایات نیز همین مطلب را اثبات می‌کنند. اما چنانکه در مفهوم‌شناسی واژه حق، بیان شد، حق و تکلیف دو روی یک سکه‌اند و هر حقی، مستلزم یک تکلیف است؛ بنابراین، همان‌طور که انسان حق دارد از محیط زیست سالم و هوای پاک بهره‌مند باشد، این تکلیف نیز به عهده او گذاشته شده است که این حق را برای دیگران به رسمیت بشناسد و از هر عملی که دیگران را از داشتن محیط زیست سالم، محروم کند، خودداری نماید. در این مجال، به دومین پرسش این پژوهش - مبانی فقهی حفاظت از حق بر هوای پاک، چیست؟ - پاسخ داده می‌شود؛ به همین دلیل، آن دسته از ادله فقهی بررسی می‌شوند که مسئولیت انسان را در قبال محافظت از این حق، در کانون توجه قرار داده‌اند.

این نکته شایان یادآوری است که ادله فقهی ناظر به حفاظت از حق بر هوای پاک، یک سلسله ادله عامی است که تمام عناصر محیط زیست را پوشش می‌دهند که هوای پاک به مثابه یکی از عناصر حیاتی محیط زیست نیز در زیرمجموعه آن قرار می‌گیرد و مشمول حکم فقهی آن می‌شود. از دیگری، وظایف و مسئولیت‌هایی که توسط این ادله فقهی برای حفاظت از حق بر محیط زیست به گونه عام و حق بر هوای پاک به گونه خاص، اثبات می‌شوند، برخی وظایف ایجابی و بعضی دیگر، سلبی‌اند. در مقام بررسی ادله، برای سهولت فهم، این دو دسته دلیل از هم تفکیک شده و هر دسته جداگانه بررسی می‌شود.

به این نکته نیز باید توجه داشت که بخش عمده‌ای از ادله (خواه ایجابی و خواه سلبی) ادله عام هستند که بر حفاظت از محیط زیست دلالت دارند که حفاظت از هوای پاک یکی از مصداق‌های مهم و حیاتی آن به شمار می‌آید و در دایره حکم این ادله عام قرار می‌گیرد. البته در خصوص هوای پاک نیز روایاتی وجود دارد که با عنوان دلیل خاص بررسی خواهد شد.

یک. ادله عام ایجابی

مقصود از ادله ایجابی آن دسته ادله‌ای است که حفاظت از حق بر هوای پاک را در چارچوب بایدهای فقهی و رفتارهای ایجابی، تبیین می‌کنند. ادله ایجابی، ذیل پنج عنوان «امر به عمران و آبادانی زمین»، «امر به رعایت امانت»، «رعایت پاکیزگی محیط زیست»، «قاعده مصلحت» و «قاعده کمک بر بر» بررسی می‌شوند.

۱. امر به عمران و آبادانی زمین

انسان که جزیی از جهان عظیم خلقت است، با مجموعه بزرگی از مخلوقات دیگر، از جمله طبیعت و محیط زیست در ارتباط است،

بدیهی است که زندگی شایسته او، در گرو تنظیم مناسب روابط با آن‌ها خواهد بود. اسلام در این باره راهکارهای اساسی ارائه داده است (ربانی، ۱۳۷۸: ۲۲۳). یکی از راهکارها برای تنظیم روابط مناسب با محیط زیست، عمران و آبادانی زمین است؛ زیرا برای بهره‌مندی بشر از محیط زیستی امن و سالم جهت نیل به کمال، نیاز است انسان در حفاظت از محیط زیست تلاش کند و برای آبادی و عمران آن بکوشد. امر به عمران و آبادانی زمین در قرآن کریم این گونه بیان شده است:

«هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود، ۶۱)؛ خداوند شما را از زمین پدید آورد و آبادی آن را به شما وا گذاشت. از این آیه استفاده می‌شود که محافظت، عمران و آباد کردن محیط زیست از وظایف انسان است؛ چرا که قرآن نمی‌گوید، خداوند زمین را آباد کرد و در اختیار شما گذاشت؛ بلکه می‌فرماید: عمران و آبادانی زمین را به شما واگذار کرد. پس انسان مسؤولیت عمران و آبادانی زمین را بر عهده دارد (ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۱۵۱/۹). این که انسان امر به عمران و آبادسازی زمین شده از تعبیر «وَاسْتَعْمَرَكُمْ» قابل استفاده است که از اوزان باب استفعال و مفهوم طلب در آن نهفته است. بنابراین، «وَاسْتَعْمَرَكُمْ» به معنای طلب آبادسازی زمین است و این امر و دستور خداوند است که انسان باید زمین را آباد کند. همین مطلب در روایتی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز نقل شده است:

امیرالمؤمنین علیه السلام: «أَنَّ مَعَايِشَ الْخَلْقِ خَمْسَةُ الْإِمَارَةِ وَالْعِمَارَةِ وَالتَّجَارِمَةِ وَالْإِجَارَةِ وَالصَّدَقَاتُ إِلَى أَنْ قَالَ وَأَمَّا وَجْهُ الْعِمَارَةِ فَقَوْلُهُ تَعَالَى هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَأَعْلَمْنَا سُبْحَانَهُ أَنَّهُ قَدْ أَمَرَهُمْ بِالْعِمَارَةِ لِيَكُونَ ذَلِكَ سَبَبًا لِمَعَايِشِهِمْ بِمَا يَخْرُجُ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الْحَبِّ وَ الثَّمَرَاتِ وَ مَا شَاكَلَ ذَلِكَ مِمَّا جَعَلَهُ اللَّهُ مَعَايِشَ لِلْخَلْقِ» (عاملی، ۱۴۰۹: ۱۹/۳۵).

این روایت هرچند به لحاظ سند ضعیف است اما از آن جا که مفاد آن با آیه شریف سازگار است، می‌تواند به عنوان مؤید در این جا از آن استفاده کرد. در این روایت حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام پس از برشمردن اسباب زندگی انسان، یکی از اقسام آن را عمارت و آبادسازی معرفی می‌کند و برای تعیین مصداق آبادسازی، به آیه شریف محل بحث، استناد می‌کند که در این آیه انسان به آباد کردن زمین - فراهم کردن اموری که معیشت و زندگی انسان را در روی زمین تأمین می‌کند - فرمان داده شده است.

در حدیث دیگری از امیرالمؤمنین نیز یکی از وظایف حکومت آبادسازی زمین و بلاد اسلامی برشمرده است «... وَ عِمَارَةُ بِلَادِهَا» (نهج البلاغه: نامه ۵۳). طبق این حدیث معتبر، نیز انسان‌ها از جمله حکومت‌ها که قدرت و امکانات بیشتری در اختیار دارند؛ مأمور به آبادانی زمین و محیط زیست هستند.

در نتیجه، تلاش برای آبادسازی زمین و بهبود وضعیت محیط زیست - از جمله هوای پاک - به صورت یک اقدام ایجابی بر رجحان و مطلوبیت این عمل، نزد شارع مقدس، دلالت دارد و متناسب با نوع آبادسازی و بهبودبخشی و به میزانی که نیازهای انسان‌ها برای زندگی، به وسیله این آباد کردن و تلاش‌ها، تأمین می‌شود، نوع حکم رجحانی آن - به لحاظ الزامی و غیر الزامی بودن - تعیین می‌شود.

۲. امر به رعایت امانت

در نگاه دینی، جهان و همه آنچه در آن است، مخلوق خداوند و متعلق به اوست، و انسان در این میان «امانت‌دار» است نه مالک مطلق. با این نگاه، محیط زیست و طبیعت، امانتی است از طرف خدا به دست انسان که حق بهره‌وری از آن را دارد. بنابراین، نمی‌تواند جز در مسیری که رضایت خداست از آن استفاده نماید (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۲۳۳ و ۲۳۴). البته مراد از انسان‌ها، انسان‌های یک نسل یا مجموعه خاصی از انسان‌ها نیستند؛ بلکه همه انسان‌ها در همه نسل‌ها باید بدانند که امانت‌دارند و در ملکیت این موهبت و عطیه الهی که متعلق به همه نسل‌های بشری است؛ چون هزاران سال دیگر بشر در این کره خاکی زندگی خواهد کرد سهیم‌اند. بنابراین، باید این موهبت را امانت‌دارانه حفظ کنند کسی که طبیعت را تخریب می‌کند به ویژه در آن جایی که ضایعات این تخریب ماندگار یا احیاناً غیر قابل جبران است، باید بداند که به همه نسل‌های بشری که بعداً از او خواهند آمد، خیانت کرده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۱۲).

این نگاه دینی را بسیاری از نصوص دینی که انسان را به رعایت امانت دعوت می‌کنند پوشش می‌دهند. از آن‌جا که این دسته ادله، در قالب امر یا اخبار در مقام انشاء بیان شده‌اند و روایات نیز به لحاظ سندی معتبر تلقی می‌شوند و محتوای آن‌ها با مفاد آیات قرآن سازگار است، رجحان و مطلوبیت حفاظت از محیط زیست به گونه عام و حفاظت از هوای پاک به گونه خاص، به منزله امانت، از این آیات و روایات قابل اصطیاد است. چنانکه فقیهان نیز بر پایه این دسته ادله، رعایت امانت را واجب دانسته و خیانت در امانت را حرام (علامه حلی، ۱۴۱۴: ۱۲/۱۴۷) و موجب تعزیر می‌دانند (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۸۰۴) و معتقدند خیانت موجب از میان رفتن عدالت و در نتیجه زوال اهلیت خیانت‌گر نسبت به اموری که در آن‌ها عدالت شرط است خواهد شد و شهادت خیانتکار پذیرفته نمی‌شود (شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۳۲۵) هم‌چنین به اعتقاد ایشان خیانت در امانت موجب ضمان است (حلی، ۱۴۰۳: ۲۳۲).

در نتیجه، از منظر فقه، محافظت از محیط زیست و هوای پاک، در قالب رعایت امانت، یک اقدام ایجابی مطلوب، به شمار آمده و دارای حکم وجوبی است و در بُعد سلبی آن هر نوع خیانت به این امانت (محیط زیست) مانند آلوده کردن آب و هوا، افزون بر آن‌که موجب ضمان (حکم وضعی) می‌شود و شخص خیانتکار، باید خسارت وارده را پرداخت کند، این اقدام او، غیر مطلوب تلقی شده و حرام است.

۳. رعایت پاکیزگی محیط زیست

بخش مهمی از احکام فقهی ناظر به پاکیزگی و بهداشت محیط است. در متون حدیثی روایاتی وجود دارد که بر پاک بودن زمین و خاک تاکید شده و زمین به عنوان مکانی پاک و مسجد برای انسان معرفی شده است که باید پاکیزگی آن حفظ شده و از آلوده کردن آن اجتناب شود: عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلْتُ لَكَ وَ لَأُمَّتِكَ الْأَرْضَ كُلَّهَا مَسْجِدًا وَ تَرَابَهَا طَهُورًا (نوری، ۱۴۰۸: ۲/۵۲۹).

حفاظت از محیط زیست و اهمیت بهداشت آن به میزانی مورد توجه قرار گرفته است که حتا برای دفن اجساد مردگان احکام ویژه‌ای وضع شده است. برای مثال، بر پایه احکام فقهی، گورستان مردگان را در خارج از شهر می‌سازند. بدن میت سه مرتبه غسل داده می‌شود. آب غسل باید در گودالی ریخته شود که محل رفت و آمد عمومی نباشد. قبر باید عمیق بوده و محکم پوشانده شود تا میکروب به بیرون سرایت نکند و مسایل و احکام دیگری که همه گویای تاکید اسلام بر حفظ محیط زیست از آلودگی هاست (شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ۱/۲۹۸-۲۹۹) در روایتی از پیامبر عظیم‌الشان اسلام ﷺ، از ایجاد آلودگی حتا در سرزمین مشرکان نهی شده است: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يُلْقَى السَّمُّ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ (شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ۶/۱۴۳).

نتیجه آن‌که رعایت پاکیزگی محیط زیست به گونه عام و پاکیزگی هوا به گونه خاص، یکی از وظایف مهم مکلفان است که متناسب با نوع اقدام و عنصر زیست محیطی، این وظیفه رجحانی در یک پیوستاری از وجوب و استحباب تعیین و تعریف می‌شود و بدیهی است که در بُعد سلبی آن (عدم رعایت پاکیزگی) عدم مطلوبیت این عمل به گونه عام که شامل حرمت و کراهت می‌شود نیز قابل اثبات است.

۴. قاعده مصلحت

واژه مصلحت از ماده «صلح» به معنای نیکی منفعت و ضد فساد است (فراهدی ۱۴۱۴: ۳/۱۰۰۱). دانشوران فقه، مقصود شرع را نیل به این مصالح پنجگانه دانسته‌اند: ۱. حفظ دین؛ ۲. حفظ نفوس؛ ۳. حفظ عقول؛ ۴. حفظ نسل؛ ۵. حفظ اموال (حکیم، ۱۳۸۱: ۳۸۱). این دسته مصالح که دین و دنیای مردم به آن بستگی دارد «مصالح ضروری» نامیده می‌شوند و مقاصد محیط زیستی از مصداق‌های روشن این دسته مصالح به شمار می‌آیند که به هیچ وجه تعطیل بردار نبوده و بر همه احکام، برنامه‌ها، اصول و قواعد حاکم هستند (فهیمی و عرب‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۹۵ و ۱۹۶).

هرچند قاعده مصلحت را به دلیل نقلی خاصی، نمی‌توان مستند کرد؛ اما از آن‌جا که مصلحت‌های پنجگانه یادشده، هر کدام به تنهایی، به دلیل خاص خودش مستند می‌شوند - مانند ادله حفظ نفوس، ادله حفظ اموال و... - می‌توان گفت وقتی این مصلحت‌ها در کنار هم، با عنوان جامع «مصالح ضروریه»، قرار می‌گیرند، باز هم تکیه‌گاه فقهی این مصالح، همان ادله‌ای است که هر مصلحت به گونه جداگانه، به آن‌ها استناد داده می‌شوند. بنابراین، بر پایه این قاعده فقهی، هر گونه فعالیت که متضمن مصالح عامه باشد و در راستای حفاظت از این مصالح پنجگانه انجام پذیرد - مانند حفاظت از محیط زیست و تلاش برای بهبود وضعیت هوا - از منظر شارع مقدس، امر مطلوب و راجح تلقی شده و دارای حکم الزامی واجب است.

۵. قاعده کمک بر نیکی

یکی از ادله‌ای که برای حفاظت از محیط زیست و حق بر هوای پاک، می‌توان به آن استناد کرد، قاعده فقهی کمک بر برّ است. واژه «اعانه» از ماده «عون» به معنای کمک به دیگری و یاری او در انجام فعل است (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۹/ ۴۹۴). در اصطلاح فقهی، به معنای فراهم ساختن مقدمات و زمینه تحقق فعل دیگران توسط اعانه‌کننده است (اعرافی، ۱۳۹۳: ۲۵۷ و ۲۵۸). مستند اصلی این قاعده، آیه دوم سوره مبارکه مائده - تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى - است. چنانکه گفته شده، «اعانه بر برّ و تقوا» که در این آیه به آن امر شده، به معنای ایجاد زمینه انجام کارهای نیک برای دیگران است که انسان‌ها مأمور به انجام آن‌ها در چارچوب واجبات و مستحبات شده‌اند (اعرافی، ۱۳۹۳: ۲۷۰).

چگونگی استدلال به این قاعده فقهی برای حفاظت از محیط زیست و حق بر هوای پاک، به این صورت است که حفاظت از سلامت محیط زیست و سلامت عنصر حیاتی آن؛ یعنی سلامت هوا (هوای پاک)، یکی از مصداق‌های کمک بر برّ است؛ زیرا تحقق سلامت محیط زیست و هوای پاک، نیازمند مقدمات و زمینه‌سازی است که در این قاعده به آن امر شده است. برای مثال، کاشتن درخت، تولید انرژی پاک و سرمایه‌گذاری در این نوع تولید، حمایت از تولید سبز، طرح‌های پاک‌سازی طبیعت، تصویب قوانین ضد آلودگی و تولید محتوای درسی و آموزشی ناظر به حفاظت از محیط زیست و...، از جمله کارهایی‌اند که در تحقق سلامت محیط زیست (که از مصداق‌های کار نیک است)، نقش تعیین‌کننده دارند و مشمول حکم رجحانی (واجب و مستحب) قاعده کمک بر نیکی است.

بنابراین، چگونگی استدلال به قاعده کمک بر برّ برای حفاظت از محیط زیست و حق بر هوای پاک را می‌توان این گونه صورت‌بندی کرد: کبرای استدلال: کمک بر برّ از منظر شارع عمل مطلوب و راجح (واجب یا مستحب) است. صغرای استدلال: حفاظت از محیط زیست و تلاش برای هوای پاک، از مصداق‌های برّ و کارهای نیک است. نتیجه: هر نوع اقدام و تلاشی که در راستای حفاظت از محیط زیست و هوای پاک، انجام شود، از مصداق‌های کمک به برّ و کارهای نیک بوده و مشمول حکم (واجب یا مستحب) قاعده کمک بر برّ است.

دو: ادله عام سلبی

مقصود از ادله عام سلبی آن دسته ادله‌ای است که حفاظت از حق بر هوای پاک را در چارچوب نبایدهای فقهی و رفتارهای سلبی، تبیین می‌کنند. ادله عام سلبی، ذیل سه عنوان «نفی هلاکت»، «۲. قاعده لاضرر»، و «قاعده عدم کمک بر اثم»، بررسی می‌شوند.

۱. نفی هلاکت

یکی از ادله عام سلبی که ظرفیت استدلال برای حفاظت از محیط زیست و حق بر هوای پاک، در آن وجود دارد، ادله نفی هلاکت است. در قرآن کریم، از این عمل که انسان خود را در معرض هلاکت و نابودی قرار دهد، نهی شده است: «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى

التَّهْلُكَةُ» (بقره، ۱۹۵): خود را در معرض هلاکت قرار ندهید. این آیه به حرام بودن رفتارهایی دلالت می‌کند که در گام نخست، خاستگاه این نوع رفتارها خود انسان است (بایدیکم) و در گام بعدی، این رفتارها منجر به هلاکت او می‌شود (إِلَى التَّهْلُكَةِ). بر اساس مفاد این آیه شریف که در اسلوب نهی وارد شده، هر گونه اقدامی از سوی انسان که منجر به مرگ و نابودی او شود، از سوی شارع مقدس، مورد نهی قرار گرفته و دارای حکم الزامی حرمت است.

مطالعات نشان می‌دهد، آلودگی محیط زیست، به ویژه آلودگی هوا، یکی از عوامل اصلی مرگ و میرها در جهان و ایران است. بر اساس یک گزارش، آلودگی هوا پس از استعمال دخانیات، دومین عامل اصلی مرگ‌های ناشی از بیماری‌های غیر واگیر شمرده می‌شود و با افزایش ریسک ابتلا به بیماری‌های حاد، مزمن و مرگ، در ارتباط است. در گزارش سازمان بهداشت جهانی در خصوص کیفیت هوای جهان در سال ۲۰۲۲، در میان ۱۳۱ کشور جهان که مجهز به ایستگاه سنجش این آلاینده هستند، ایران از منظر آلاینده ۵.۲ PM در رتبه ۲۱ آلودگی قرار دارد. در گزارشی که توسط وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، در سال ۱۴۰۰ تهیه شده، میانگین جزء «مرگ کل منتسب به ذرات معلق» در کشور برابر با ۵۹/۱۲ درصد است. برآورد می‌شود که با احتساب پدیده ریزگردها، نیمی از جمعیت کل کشور (۳۵ میلیون نفر) در معرض درجاتی از آلودگی هوا قرار دارند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲).

آلودگی هوا که به وسیله خود انسان‌ها از طریق آلاینده‌های مختلف - مانند کارخانه‌جات، وسایط نقلیه دودزا، زباله‌ها و... - ایجاد می‌شود و بر اساس مطالعات انجام شده، مرگ و نابودی انسان‌ها را به دنبال دارد، از مصداق‌های روشن در معرض هلاکت قرار دادن انسان به وسیله خود اوست که از سوی شارع نهی شده است و از این جهت در دایره حکم این آیه شریف قرار گرفته و حرام است و این حکم تحریمی مستلزم یک حکم وجوبی است؛ یعنی وقتی در معرض هلاکت قرار دادن حرام شد، محافظت از جان - از طریق محافظت از محیط زیست و هوای پاک - واجب خواهد بود.

۲. قاعده لاضرر

یکی از ادله عام سلبی، برای حفاظت از حق بر هوای پاک، می‌توان به آن استدلال کرد، قاعده لاضرر است. این قاعده مهم فقهی در دلیل عقل و سیره عقلا ریشه دارد و مدارک کتاب و سنت به وفور بر آن دلالت می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۲۹ / ۱ - ۴۲). از میان روایات روایت سمره بن جندب که از زبان پیامبر خدا ﷺ با عبارت: «لَا ضَرَرَ وَلَا إِضْرَارَ فِي الْإِسْلَامِ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۴ / ۳۳۴) نقل شده، از شهرت بیشتری برخوردار است. روایت سمره در حد تواتر بوده و از حیث سند قابل توثیق، است.

بر اساس قاعده لاضرر، نه تنها مکلفان از انجام هر گونه عملی که منجر به ضرر مستقیم یا غیر مستقیم به دیگری شود، منع شده‌اند، بلکه شارع نیز حکمی که موجب ضرر بر جامعه یا فرد گردد، تشریع نمی‌کند و از سویی، این قاعده به ضررهای شخصی اختصاص ندارد و شامل اضرار عمومی هم می‌شود و حتا اهمیت ضرر عمومی به مراتب بیش از ضرر فردی است. بنابراین، اضرار وارد بر محیط زیست و آلودن هوای پاک که طبق معمول از سنخ ضررهای عمومی می‌باشند و حیات نوع بشر را در معرض آسیب جدی قرا می‌دهند، مشمول نهی تکلیفی این قاعده می‌شوند (نیکنام و هم‌کاران، ۱۴۰۲: ۲۹۳). به هرروی، وجه سلبی این قاعده - حرمت رفتار زیانبار با محیط زیست و هوای پاک - مستلزم یک حکم ایجابی نیز خواهد بود؛ زیرا اگر ایراد ضرر به موضوعی شرعاً ممنوع باشد، محافظت از آن واجب خواهد بود. در نتیجه، محافظت از محیط زیست و هوای پاک نیز واجب، خواهد بود.

۳. قاعده عدم کمک بر اثم

قاعده عدم کمک بر اثم، وجه سلبی قاعده کمک بر برّ است و مستند آن آیه شریف «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده، ۲)

است. معنای آن نهی از ایجاد و فراهم کردن زمینه انجام گناه برای دیگران است (اعرافی، ۱۳۹۳: ۲۵۷ و ۲۵۸). از آنجا که قاعده کمک بر اثم، وجه سلبی، قاعده کمک بر بَر است، چگونگی استدلال به این قاعده، نیز به همان شیوه، اما با وجه سلبی آن است:

کبرای استدلال: کمک بر اثم از منظر شارع عمل مذموم و مرجوح است.

صغرای استدلال: تخریب محیط زیست و تلاش برای آلوده کردن هوای پاک، از مصداق‌های اثم و گناه است. نتیجه: هر نوع اقدام و تلاشی که در راستای تخریب محیط زیست و آلوده کردن هوای پاک، انجام شود، از مصداق‌های کمک به انجام گناه بوده و مشمول حکم قاعده کمک بر اثم است و عمل حرام و مرجوح به شمار می‌آید. البته این حکم تحریمی مستلزم یک حکم وجوبی است؛ زیرا وقتی تخریب و آلوده کردن محیط زیست و هوای پاک حرام شد، حفاظت از محیط زیست و هوای پاک واجب می‌شود. در جمع‌بندی از ادله فقهی (ایجابی و سلبی) ناظر به حفاظت از حق بر هوای پاک، می‌توان گفت، با ادله قرآنی و روایی - که برخی از آن‌ها در قالب قواعد فقهی بیان شده‌اند - متعددی حفاظت از محیط زیست به گونه عام و حفاظت از هوای پاک، به گونه خاص، را به عنوان یک تکلیف الزام آور اثبات کرد که در نگاه فقهی حفاظت از هوای پاک واجب تلقی شده و آلودن آن حرام به شمار می‌آید. در پایان این ادله، یادآوری این نکته لازم است که افزون بر ادله نقلی، به دلیل عقل نیز در این زمینه می‌توان تمسک کرد. توضیح آن که تخریب محیط زیست و آلوده کردن هوا، در اصل نابودی منابع حیاتی و تهدید بقا و رفاه انسان است که از منظر عقل، عمل مذموم و قبیح به شمار و عقل انسان حکم می‌کند که برای حفظ منافع خود و نسل آینده باید از محیط زیست، به ویژه هوای پاک، باید محافظت کرد.

سه. ادله خاص

افزون بر ادله عام، برای حفاظت از محیط زیست و هوای پاک، شماری از روایات در خصوص محیط زیست و هوای پاک نیز وجود دارد. به این دسته روایات نیز می‌توان برای حفاظت از هوای پاک، تمسک کرد. در ادامه به چند نمونه از روایات در این زمینه اشاره می‌شود.

۱. روایت سکونی

مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ الثَّوَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام: «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَهَى أَنْ يُلْقَى السَّمُّ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ» (طوسی، ۱۳۶۵: ۱۴۳/۶) رسول خدا صلی الله علیه و آله مسلمانان را از انداختن سم در محیط زندگی مشرکان نهی کرد. در این روایت که به لحاظ سند معتبر است، از کلمه «نهی» (نَهَى أَنْ يُلْقَى السَّمُّ) استفاده شده که بر حرمت این عمل - انداختن سم در محیط زندگی مشرکان - دلالت دارد. این حکم تحریمی ملازم با یک حکم وجوبی است؛ یعنی وقتی عمل انداختن سم، در محیط زیست، به این دلیل که منجر به قتل بی‌گناهان می‌شود، حرام بود، حفاظت از محیط زیست که منجر به حفاظت جان بی‌گناهان می‌شود نیز واجب خواهد بود. نکته مهم در این روایت که می‌تواند ناظر به حفاظت از هوای پاک باشد، این است که در روایت تعبیر «يُلْقَى السَّمُّ» است که انداختن سم، شامل هر نوع سم کشنده می‌شود. از جمله سمومی که از طریق آلوده کردن محیط، با هوا ترکیب شده و تبدیل به سم کشنده می‌شوند یا سمومی که در اصل ماهیت گازی دارند و از طریق هوا استنشاق می‌شوند، از مصداق‌های آلوده کردن هواست و در دایره حکم تحریمی آن قرار می‌گیرد.

۲. روایت ابوبصیر

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ: مَنْ أَكَلَ شَيْئًا مِنَ الْمُؤْذِيَاتِ رِيحُهَا فَلَا يَقْرُبُ الْمَسْجِدَ (حر عاملی: ۲۲۸ / ۵). حضرت علی عليه السلام فرمود: اگر کسی چیزی بخورد که بوی آن دیگران را اذیت می‌کند به مسجد (اماکن عمومی) نزدیک نشود.

این روایت نیز به لحاظ سند معتبر است و به لحاظ دلالت به این مطلب اشاره دارد که به منظور جلوگیری از پراکندن بوی بد و آزاردهنده در هوا، حتا از افرادی که بوی آزاردهنده داشته باشند، نباید در اجتماع و مسجد حضور پیدا کنند. از آنجا که لحن روایت، إخبار در مقام إنشاء است (فَلَا يَفْزَنُ) دلالت آن بر حرمت، از تاکید بیشتر برخوردار است؛ بنابراین، روایت با تاکید ویژه، از آلوده کردن هوای پاک نهی می‌کند که این حکم ملازم با یک حکم رجحانی است؛ یعنی وقتی آلوده کردن هوا مذموم و منهی شد، پاک نگهداشتن آن مطلوب و راجح خواهد بود. البته حکم حرمت (به ویژه حرمت مؤکد) در جایی است آلوده کردن به میزانی باشد که موجب ضرر به دیگران شده و جان انسان‌ها را در خطر بیندازد.

۳. روایات بیانگر نقش هوای پاک در تأمین حیات

برخی از روایات، نقش هوای پاک را در تأمین حیات انسان بیان می‌کنند. درباره این دسته روایات این نکته لازم به یادآوری است که لحن اغلب این روایات، توصیفی است و در مقام بیان اهمیت هوای سالم در زندگی انسان هستند و این که اگر هوای پاک و سالمی در کار نباشد، حیات و زندگی انسان و دیگر موجودات زنده، به مخاطره می‌افتد. چگونگی استدلال به این دسته روایات به این صورت است که هرچند روایات در قالب گزاره‌های إخباری بیان شده‌اند و از نقش حیاتی هوای پاک در زندگی انسان خبر می‌دهند؛ اما بالملازمه، حاوی یک حکم فقهی نیز هستند؛ زیرا بیان این مطلب که حیات انسان وابسته به هوای سالم است، در اصل به این معناست که باید از هوای پاک محافظت شود؛ چرا که محافظت از هوای پاک از مصداق‌های کمک بر بر بوده و در زیرمجموعه «مصالح ضروریه» قرار می‌گیرد که حفظ جان از مصداق‌های بارز آن به شمار می‌آید. چنانکه با یک نگاه سلبی، آلوده‌سازی هوای پاک، از مصداق‌های قاعده کمک بر اثم و قاعده لاضرر است و هر نوع فعالیتی در زمینه هوای سالم که منجر به نابودی انسان شود، در واقع از مصداق‌های در معرض هلاکت قرار دادن انسان است که دلیل نفی هلاکت آن را ممنوع و مذموم (حرام) اعلام می‌کند. بنابراین، از طریق ملازمه، از این دسته روایات که برخی به لحاظ سند معتبرند، نیز می‌توان، رجحان و مطلوبیت محافظت از هوای پاک و مذمومیت و حرمت آلوده کردن آن را استنباط کرد.

در جمع‌بندی از ادله خاص، می‌توان گفت، در این بخش برای حفاظت هوای پاک، به دو دسته روایت تمسک شد؛ در دسته نخست روایاتی با لحن سلبی از القای سمّ در بلاد مشرکان و یا از پراکندن بوی بد و آزاردهنده در هوا، نهی می‌کردند که این دسته روایات بر مذمومیت آلوده کردن هوای پاک دلالت داشتند و گفته شد حکم سلبی مستفاد از روایات ملازم با یک حکم وجوبی است؛ یعنی وجوب محافظت از هوای پاک. روایات دسته دوم که در قالب گزاره‌های توصیفی بیان شده بودند و نقش هوای سالم در تأمین حیات انسان را بازگو می‌کردند، با دلالت التزامی، بر وجوب محافظت از هوای پاک اشاره داشتند.

آموزش حفاظت از حق بر هوای پاک

بر پایه مبانی فقهی، تا این‌جا روشن شد که استفاده از محیط زیست سالم و هوای پاک، حق همه انسان‌ها بوده و استفاده از آن برای تأمین حیات و زندگی، مجاز است. از دیگر سو، این حق مستلزم این تکلیف نیز هست که این امتیاز را برای خود و دیگران به رسمیت شناخته و در راستای حفاظت از محیط زیست و هوای پاک، تلاش کند. از منظر فقه، این تلاش‌ها در قالب رفتارهای ایجابی و سلبی و در چارچوب بایدها - وجوب حفاظت از هوای پاک - و نبایدها - حرمت تخریب و آلوده کردن هوای پاک - انجام می‌شود. بنابراین، فقه، تعیین‌کننده رفتارها در چارچوب بایدها و نبایدهاست؛ اما برای این که این رفتارها (رفتارهای تعریف شده در فقه) در انسان نهادینه شده و به یک رفتار تثبیت شده و پایدار تبدیل شود، نیازمند تربیت است. چرا که تربیت، فرایند درونی‌سازی همین بایدها و نبایدها در شخصیت و رفتار انسان است. برای مثال، فقه رعایت پاکیزگی محیط زیست به گونه عام و پاکیزگی هوا به گونه خاص را واجب می‌داند (بایدهای رفتاری) و از

دیگرسو، تخریب محیط زیست و آلوده کردن هوا را که منجر به نابودی انسان شود، به عنوان یک رفتار سلبی، حرام معرفی می‌کند (نبایدهای رفتاری). در این میان، تربیت می‌کوشد از طریق آموزش، این باور را در انسان نهادینه کند تا او در مواجهه با جهان طبیعت، با درک و باور دینی خویش، از محیط زیست و هوای سالم محافظت کند و از تخریب و آلوده کردن آن اجتناب نماید. از اینجاست که تعامل میان دانش فقه و تربیت و رابطه معرفتی این دو دانش به هم گره می‌خورد و دانش فقه تربیتی شکل می‌گیرد و بحث آموزش حفاظت از حق بر هوای پاک، به میان می‌آید. بنابراین، اکنون نوبت پاسخ به پرسش سوم است: سازو کارهای آموزش حفاظت از حق بر هوای پاک، از منظر فقه تربیتی کدامند؟ پیش از پاسخ به این پرسش، در بحث آموزش حفاظت از حق بر هوای پاک، به چند نکته باید اذعان کرد:

الف. محتوای آموزشی

محتوای آموزشی در فرایند آموزش حفاظت از حق بر هوای پاک، همان محتوایی است که در بررسی مبانی و ادله فقهی ناظر به حفاظت از حق بر هوای پاک به آن اشاره شد. برای مثال، آگاهی دادن نسبت به مواهب طبیعی، از جمله هوای پاک به مثابه حق همگانی و امانت انگاری آن‌ها - در ادله فقهی ناظر به حق بر هوای پاک بررسی شد - و آگاهی دادن متربیان با تاکیدهای فقهی در مورد بهره‌وری مسئولانه از طبیعت و هوای پاک (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۷: ۶۹۷). آگاه‌سازی از ادله و حکم مستفاد از ادله فقهی (ادله ایجابی و سلبی) که ناظر به حفاظت از حق بر هوای پاک، بررسی شد، مانند وجوب آبادسازی زمین، وجوب رعایت امانت، وجوب رعایت پاکیزگی محیط زیست و... یا حرمت قتل نفس، حرمت اضرار به غیر و...

ب. هدف آموزش

در فرایند تربیت، هدف از آموزش صرف انتقال شناخت و آگاهی نیست، بلکه شناخت زمانی کارآمد و موثر واقع می‌شود که گرایش انسان را تغییر داده و منجر به عمل پایدار شود. به بیان دیگر، در این راستا، آگاهی از مسایل و موضوعات زیست محیطی طبق معمول به عنوان پیش‌نیازی برای دغدغه زیست محیطی و نهایتاً رفتارهای حفاظت زیست محیطی شمرده می‌شود (هانگرفورد و ولک، ۱۹۹۰: ۹-۲۱). بنابراین، در فرایند آموزش حفاظت از حق بر هوای پاک، آموزش به گونه‌ای باشد که افزون بر ایجاد و افزایش شناخت، گرایش و کنش فرد را نسبت به محیط زیست و هوای پاک نیز تغییر دهد و فرد در پرتو این آگاهی، در مواجهه با محیط زیست، بتواند ضمن نگاه احترام‌آمیز و قدرشناسانه به مواهب زیستی، کنش تکلیف‌محور و امانت‌انگارانه از خود بروز دهد.

ج. نهادهای آموزشی

آموزش حفاظت از حق بر هوای پاک، از طریق نهادهای آموزشی مختلفی، متناسب با ماهیت آموزشی و جایگاه‌های آن‌ها امکان‌پذیر است. در این میان، نهاد خانواده، نهادهای آموزش رسمی (مدرسه و دانشگاه)، رسانه‌ها و مساجد، از بالاترین ظرفیت در این زمینه برخوردار هستند؛ به همین دلیل، در این بحث، سازو کارهای آموزش حفاظت از حق بر هوای پاک، در نقش آموزشی سه نهاد مهم آموزشی، پیگیری می‌شود.

۱. نقش آموزشی خانواده

خانواده به عنوان نهاد تربیتی پایه و نخستین نهاد آموزشی، در آگاهی‌بخشی نسبت به حفاظت از محیط زیست و شکل‌گیری نگرش و رفتار مثبت در این زمینه نقش تعیین‌کننده دارد. زیرا بخش عظیمی از زندگی انسان در سایه تربیتی این محیط سپری می‌شود و آموزش‌های نهاد خانواده است که شخصیت و منش او را در تمام عرصه‌ها از جمله در مواجهه انسان با محیط زیست، شکل می‌دهد. به همین دلیل

توصیه می‌شود آموزش‌های زیست محیطی، از سنین پایه شروع شود؛ مسلماً کودکانی که تحت چنین آموزش‌هایی قرار گیرند در برابر عوامل آلاینده انسانی محیط زیست از خود عکس العمل مناسب و معقولانه نشان خواهند داد (ولی الهی و مقصودی مهربانی، ۱۳۸۹).

خانواده با ارائه الگوهای عملی در رعایت پاکیزگی، احترام به هوای پاک، عدم تخریب محیط زیست و پرهیز از آلوده کردن آن، به گونه آشکار و پنهان حفاظت از محیط زیست و حق بر هوای پاک را آموزش می‌دهد و این آموزش، به مثابه یک رفتار تربیتی مشمول حکم فقهی (وجوب محافظت و حرمت تخریب) حفاظت از هوای پاک می‌شود.

۲. نقش آموزشی مدرسه و دانشگاه

مدرسه و دانشگاه از نهادهای مهم آموزشی هستند که متولی آموزش‌های رسمی به شمار می‌آیند. آموزش و پرورش (در سطح متوسطه و عالی) با گستردگی و استعداد بالقوه بالایی فراگیران و نیز در اختیار داشتن نیروهای توانمند علمی و اعتقادی مهم‌ترین دستگاه فرهنگ‌ساز در هر کشور است و می‌تواند به عنوان بستری مناسب جهت افزایش فرهنگ محیط زیست میان دانش آموزان، دانشجویان و خانواده آنان عمل کند. بنابراین، آموزش محیط زیست (از جمله حفاظت از هوای پاک) را می‌توان از پایه به گونه آموزش رسمی آغاز کرد و تغییراتی را در نگرش، دانش و مهارت‌های دانش آموزان در مورد محیط زیست ایجاد کرد و میزان آگاهی و اطلاعات زیست محیطی دانش آموزان را افزایش داد تا بتوانند به گونه کاربردی در محیط پیرامون خود به حفاظت از محیط زیست پرداخته و از منابع به گونه صحیح استفاده کرده و هم آن‌ها را چون هدیه ای گرانقدر به نسل‌های آینده تقدیم نمایند (همان).

در پی وارد کردن مسأله محیط زیست به متن آموزش رسمی، در آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها، در تالیف کتاب‌های درسی؛ هم چنین نظام تربیت و گزینش آموزگار، باید تغییری بنیادین ایجاد کرد. کتاب‌های درسی نیز باید برپایه کارایی و رابطه درس مربوطه با محیط زیست تدوین شوند. باید از کارشناسان و فعالان عرصه محیط زیست در کنار کارشناسان مسایل تربیتی در تدوین کتاب‌ها بهره برد. برای تربیت معلم احیا کردن نظام تربیت معلم با رویکرد ویژه به عرصه محیط زیست ضروری است؛ زیرا با تربیت آموزگاران که پرورش چندین نسل را تضمین می‌کنند، کودکان این نسل‌ها نیز به گونه‌ای بایسته پرورش خواهند یافت (همان).

در نتیجه مدرسه و دانشگاه، با آموزش‌های رسمی و از طریق گنجاندن مسایل زیست محیطی، از جمله هوای پاک - با آن مبانی و چارچوب‌هایی که در فقه بیان شده - در متون درسی، احترام به هوای پاک و حفاظت از محیط زیست، عدم تخریب و پرهیز از آلوده کردن آن، را آموزش می‌دهند و این آموزش، به مثابه یک رفتار تربیتی مشمول حکم فقهی (وجوب محافظت و حرمت تخریب) حفاظت از هوای پاک می‌شود.

۳. نقش آموزشی رسانه

رسانه، وسیله حامل پیام از فرستنده به گیرنده است. کتاب، روزنامه، مجله، عکس، فیلم، نوار صوتی و تصویری، رادیو تلویزیون ماهواره و... نمونه‌هایی از رسانه هستند (امیرتیموری، ۱۳۹۸: ۱۶). نگرش و تأثیر پذیری مردم از رسانه‌ها بر نوع رفتار آن‌ها با محیط زیست تأثیر می‌گذارد؛ به همین دلیل رسانه‌ها تأثیر بسزایی در ارتقاء فرهنگ‌سازی محیط زیستی مردم و توجه دادن به آن‌ها برای حفظ محیط زیست دارند. به گونه کلی رسانه‌ها با بهره‌گیری از نظرات کارشناسان خبره و آگاه می‌توانند به تهیه تدوین و انعکاس خبرها و مسایل زیست محیطی بپردازند و تدابیر و راهبردهای آینده توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در سطوح تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری را به بحث بگذارند و ظرفیت‌های زیست محیطی را برای استفاده از فرصت‌ها، امکانات و منابع موجود به کارگیرند و در تصمیمات مرتبط با حفاظت از محیط زیست موثر باشند (زمان و دیبا، ۱۴۰۱: ۱۰).

رسانه‌ها با استفاده از ظرفیت‌های موجود در فقه، می‌توانند به فرهنگ‌سازی حفاظت از محیط زیست به اقشار مختلف و وسیع جامعه، آموزش دهند؛ در فقه، بر حق همگان بود محیط زیست و هوای پاک و امانت بودن آن در دست انسان، اذعان شده است و از دیگرسو، برای حفاظت از این حق و امانت، تکالیف و بایدها و نبایدهای متعددی در قالب، آبادسازی زمین، رعایت این امانت، رعایت پاکیزی محیط زیست و عدم اضرار به دیگران به وسیله تخریب محیط زیست و... تعریف شده که از رسانه جمعی به عنوان برجسته‌ترین نهاد فرهنگ‌ساز در یک جامعه اسلامی انتظار می‌رود که هم خود در گستره فعالیت‌های رسانه‌ای - به گونه مستقیم و غیر مستقیم - عامل و مجری این آموزه‌ها و وظایف باشند و هم در ترغیب و تشویق سایر نهادها و سازمان‌ها و عموم توده‌ها و نیز بسترسازی و تقویت انگیزه‌ها در مسیر اجرایی شدن آن‌ها بیشترین نقش را ایفا کنند.

نتیجه‌گیری

بر پایه پژوهش حاضر، «حق بر هوای پاک» نه تنها حق که به مثابه امانت نیز تلقی می‌شود که حفاظت از آن، از وظایف و مسئولیت‌های انسان به شمار می‌آید و نهادهای مختلف آموزشی، مکلف‌اند این آموزه‌های دینی را که برابند ادله فقهی به شمار می‌آیند در افراد نهادینه کرده تا ضمن معرفت افزایی، به باور و رفتار پایدار تبدیل شود.

پرسش نخست پژوهش این بود که مبانی فقهی حق بر هوای پاک چیست؟ در مقام پاسخ به این پرسش به آن دسته از ادله فقهی تمسک شد که بهره‌برداری و استفاده از طبیعت و مواهب زیستی آن (از جمله هوای پاک)، به منزله امانت و حق همه انبای بشر اذعان می‌شود. از باب تلازم حق و تکلیف، ادله فقهی که بر حفاظت از این حق تاکید داشتند، مورد بررسی قرار گرفتند و به پرسش دوم پژوهش - مبانی فقهی حفاظت از حق بر هوای پاک، چیست؟ - پاسخ داده شد که برابند فقهی این ادله - ادله عام ایجابی و سلبی و ادله خاص را در سه دسته حکم به این ترتیب می‌توان دسته‌بندی کرد:

- الف) حکم ایجابی: به معنای وجوب محافظت از محیط زیست و هوای پاک؛

- ب) حکم سلبی: حرمت تخریب و آلوده کردن محیط زیست و هوای پاک؛

- ج) حکم وضعی: در صورت تخریب و آلوده کردن محیط زیست و هوای پاک، شخص ملزم به ضمان و پرداخت خسارت وارده است. از آن‌جا که صرف اثبات حکم حفاظت از حق بر هوای پاک، برای حل معضل زیست محیطی، راهگشا نیست و باید این یافته‌ها را در باور و شخصیت فرد نهادینه و تثبیت کرد، به سومین پرسش پژوهش - سازو کارهای آموزش حفاظت از حق بر هوای پاک، از منظر فقه تربیتی کدامند؟- پاسخ داده شد و به این ترتیب، نقش آموزشی سه نهاد مهم آموزشی؛ یعنی خانواده، مدرسه و دانشگاه و رسانه، مورد بررسی قرار گرفت و به این نکته اذعان شد که فقه تربیتی می‌تواند بستر فرهنگی و آموزشی لازم را برای نهادینه‌سازی حفاظت از محیط زیست، فراهم کند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که فقه تربیتی ظرفیت‌های گسترده‌ای برای طراحی نظام آموزشی در حوزه محیط زیست دارد. به این دلیل که این دسته آموزش‌ها در باور و ایمان افراد ریشه می‌دواند، در کنار دیگر سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، می‌تواند از ضمانت اجرایی قدرت‌مندتری برخوردار باشد.

منابع

* قرآن کریم، ترجمه: آیت الله مکارم شیرازی.

* نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی.

۱. ابراهیمی جواد (۱۳۹۶)، بررسی وظایف والدین در تربیت اجتماعی فرزندان از منظر فقهی، رساله دکتری جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه.

۲. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم الافریقی المصری (۵۱۴۰۵ هـ. ق)، لسان العرب، قم: نشر ادب.
۳. اعرافی، علی رضا (۱۳۹۳)، قواعد فقهی، قم، انتشارات موسسه اشراق عرفان.
۴. امام خمینی، روح الله (۱۳۶۳)، کتاب البیع، قم: اسماعیلیان، چاپ سوم.
۵. امیر تیموری، محمد حسن، (۱۳۹۸) رسانه‌ها و محیط‌های آموزشی - یادگیری، تهران، سازمان سمت.
۶. آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۳۹۴)، حاشیه‌ی الآخوند علی مکاسب الشیخ الانصاری، قم: سماء قلم.
۷. بحار الانوار، ۱۴۲۵ ق
۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۴۰۰)، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.
۹. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۷)، درآمدی بر نظامنامه تربیتی المصطفی ﷺ، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، چاپ دوم.
۱۰. جوادی آملی، (۱۳۹۰)، اسلام و محیط زیست، قم، اسراء، چاپ ششم.
۱۱. جوادی آملی، (۱۳۹۳)، فلسفه حقوق بشر، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۲. جوادی آملی (۱۳۷۵)، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم: اسراء.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، وسایل الشیعه، قم: موسسه آل البيت ﷺ.
۱۴. حسینی، شیرازی، سید محمد (۱۳۸۷)، اسلام و محیط زیست، ترجمه: سید حسین اسلامی اردکانی، قم، یاس زهرا، چاپ اول.
۱۵. حکیم، محمد تقی (۱۹۷۹ م)، الأصول العامه للفقّه المقارن: مدخل الی درسه الفقّه المقارن، بیروت: موسسه آل البيت ﷺ.
۱۶. حلبی، ابو صلاح (۱۴۰۳ ق)، کافی فی الفقّه، اصفهان کتابخانه امیرالمومنین ﷺ.
۱۷. خامنه‌ای سید علی (۱۳۹۵) نهضت حفظ محیط زیست تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغتنامه، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. زمان، جمشید، دیبا، محمد «نقش آموزشی رسانه در حفظ محیط زیست»، فصلنامه علوم زیست محیطی و دانش جغرافیا، دوره ۲، شماره ۱، بهار ۱۴۰۱.
۲۰. سیف، علی اکبر (۱۳۸۶)، روان‌شناسی پرورشی؛ روان‌شناسی یادگیری و آموزش، تهران، آگاه، چاپ هفدهم.
۲۱. صدوق، قمی، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق)، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰ ق)، النهایه بیروت: دار الکتب العربی.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵) تهذیب الاحکام، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۳)، المبسوط فی فقه الامامیه، قم: انتشارات مرتضوی.
۲۵. عرفانیان، مهدی (۱۳۹۲) «مبانی فقهی مسئولیت همگانی انسان در قبال محیط زیست با تاکید بر اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)»، دو فصلنامه علمی - تخصصی پژوهشنامه فقهی، سال دوم شماره اول پاییز و زمستان ۱۳۹۲، پیاپی ۳.
۲۶. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۴)، تذکره الفقهاء، قم: موسسه آل البيت ﷺ.
۲۷. فاضل مقداد (۱۴۲۵ ق)، کنز العرفان، قم: انتشارات مرتضوی.
۲۸. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴ ق)، کتاب العین، قم: اسوه.
۲۹. فهیمی، ع. و عرب‌زاده، ع (۱۳۹۱)، «مبانی فقهی حقوق محیط زیست»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۳۵، ۱۸۹-۲۰۹.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی، پژوهش علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه بیروت دار صعب و دار التعارف.

۳۱. محمد، ربانی (۱۳۷۸)، «بهره‌گیری شایسته از محیط زیست با الهام از تعالیم اسلام»، مجموعه مقالات همایش اسلام و محیط زیست، سازمان حفاظت محیط زیست، تهران.
۳۲. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛ مطالعات، بنیادی، «آلودگی هوا تهدیدی جدی برای سلامت»، ۱۴۰۲.
۳۳. معین، محمد (۱۳۸۶) فرهنگ معین، تهران زرین، چاپ سوم.
۳۴. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، المقنعه، قم: کنگره جهانی شیخ مفید.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹)، و دیگران، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران.
۳۶. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۷۴)، رجال النجاشی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۷. نصر، سیدحسین (۱۳۸۳)، انسان و طبیعت؛ بحران معنوی انسان متجدد، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
۳۸. نوری میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، بیروت مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.
۳۹. نیکنام، محمدرضا و هم‌کاران (۱۴۰۲)، «حفظ محیط زیست در پرتو قواعد فقیه»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال پانزدهم.
۴۰. ولی الهی، جلال و مقصودی مهربانی، کریم (۱۳۸۹)، «نقش آموزش‌های زیست محیطی در آموزش و پرورش و فرهنگ عمومی، چهارمین همایش و نمایشگاه تخصصی مهندسی محیط زیست، تهران.
41. HUNGERFORD H, VOLK TL) 1990). CHANGING LEARNER'S BEHAVIOR THROUGH ENVIRONMENTAL EDUCATION, THE JOURNAL OF ENVIRONMENTAL EDUCATION, 21) 3), 8-21 .
42. SHOBEIRI, M. & ABDOLLAHI, S) 2009). THEORY AND APPLICATIONS OF ENVIRONMENTAL EDUCATION. TEHRAN:PAYAM NOOR UNIVERSITY PUBLICATION.
43. [HTTPS://RC. MAJLIS. IR/FA/LAW/SHOW/1030618](https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1030618).